

تأثیر ارتباط معلم با دانش آموزان در کمرویی دانش آموزان ابتدایی

صابر شفیعی^۱، حسین خیرایی^۲، فریبا بشیری^۳

^۱ آموزگار ابتدایی استان ایلام، کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی (نویسنده مسئول)

^۲ آموزگار ابتدایی استان ایلام، کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

^۳ آموزگار ابتدایی استان ایلام، کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

چکیده

مقاله حاضر از نوع مروری کتابخانه ای است که با توجه به نظرات دانشمندان این عرصه گردآوری شده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی تأثیر ارتباط معلم با دانش آموزان در کمرویی دانش آموزان ابتدایی است. بنابراین ارزیابی مثبت معلم از سوی دانش آموز، وی را به اشتیاق بیشتر جهت حضور در مدرسه و برقراری ارتباط با معلم رهنمون می سازد اما در صورتی که دانش آموز معلم خود را مثبت ارزیابی نکند، از برقراری ارتباط با معلم خود کناره گیری می کند که در نهایت موجب کمرویی وی می شود.

واژه‌های کلیدی: ارتباط معلم و دانش آموز، کمرویی، ابتدایی

مقدمه

مدرسه، اولین محیط اجتماعی بعد از خانه است که کودک وارد آن میشود و بسیاری از مهارت های روانی، ارزشها، هیجانات و باورهای کودک در مدرسه ساخته می شود. عوامل مختلفی وجود دارد که باعث میشود دانش آموز جذب مدرسه شده و یا از آن طرد شود. معلم به عنوان نیروی درجه اول مدرسه میتواند نقش پر رنگی در رابطه با جذب و طرد دانش آموز داشته باشد (دیویس، ۲۰۰۶).

زمانی که معلم یک رابطه با کیفیت و سازنده با دانش آموز خود برقرار کند، این توانایی را خواهد داشت تا در رابطه با رویکردهای یادگیری شاگردانش و انگیزه آنان به دست آورد. روابط معلم دانش آموز اینگونه می تواند نگرش خاصی به ، دانش آموزان در مورد محیط مدرسه دهد و رفتار آنها را در موقعیت های اجتماعی پیش بینی کند. دانش آموزانی که روابط توأم با صمیمیت را در رابطه با معلم خود تجربه میکنند، از مدرسه بیشتر لذت میبرند و رابطه مطلوبی با همسالان دارند.

کمرویی را میتوان به طور خلاصه فاصله گیری از موقعیت های اجتماعی تعریف کرد. یکی از این موقعیت های اجتماعی محیط مدرسه است (دانلان و همکاران، ۲۰۰۵). دانش آموزان در روابط با معلمین و دوستان و یا در حالت کلی در فضای مدرسه، احساس می کنند در معرض قضاوت قرار دارند، حال اگر احساس مثبت باشد اثر تخریبی ندارد اما اگر این احساس منفی باشد دچار اضطراب میشوند و دیگر از روابط کناره گیری می کنند و کمرویی در آنها تقویت می شود (برل، ۲۰۱۲).

اهمیت روابط در مدارس

داشتن روابط از نیازهای اساسی انسان است و مدرسه یکی از بسترهای مهم برای تعامل در دانش آموزان است. مدرسه محل آموزش و پرورش یک فرد است بنابراین اهمیت ویژه ای در رشد و تعالی فرد و جامعه دارد. تا حدودی نحوه تعامل انسان با افراد دیگر بیان کننده سلامتی اوست. اگر مدارس تدابیری اتخاذ کنند که در آن آموزش های لازم در خصوص نحوه ارتباط و مهارت مربوطه داده شود میتواند سلامت روانی افراد را تا حدودی تضمین کند. تعاملات در محیط مدرسه به دو دسته کلی تقسیم می شود:

الف) ارتباط معلم و دانش آموز : کودکان و نوجوانان اغلب از کلاس درسی لذت می برند که در آن با معلم خود رابطه گرم و صمیمی داشته باشند. رابطه گرم با معلم متضمن حمایت از دانش آموز است.

ب) ارتباط دانش آموز با دانش آموز : گاهی ممکن است نحوه تعامل دانش آموز در کلاس موجب ناآرام شدن جو کلاسی شود. در اینجا لازم است معلم با ارائه شیوه هایی از قبیل تدریس فعال، درگیر کردن دانش آموز در جریان یادگیری، تعویض محل اسکان دانش آموز، فعالیت های گروهی، توجه به زمان و نوع تدریس و موارد دیگر جلوی این کار را بگیرد و یا از شدت آن بکاهد (گروفر و شانی، ۱۳۸۶).

تعامل معلم - دانش آموز

انسان در جریان زندگی روابط متعدد و پیچیده ای را با محیط و دیگر انسان ها برقرار می کند. یکی از این محیط ها، مدرسه و یکی از این انسانها، معلم است. معلم به عنوان اثر بخش ترین نیرو در اثرگذاری بر دانش آموز، باید روابط مثبت و سازندهای را با دانش آموزان خود برقرار کند. معلم در حین ارتباط باید استعدادهای فردی هر دانش آموز را مد نظر قرار داده و به تمایلات و نیازهای آنان توجه کند. در حقیقت می توان گفت ارتباط معلم دانش آموزی بدون توجه به شرایط خانوادگی، وضعیت عاطفی روانی و توانایی های فردی دانش آموز، ارتباطی یک طرفه بوده و دانش آموز را به کنش وری در تعامل فرا نمی خواند.

می توان سطوح فرضی را برای برقراری ارتباط در نظر گرفت:

(۱) سطح اول: در این سطح قبلاً هیچگونه ارتباطی شکل نگرفته است و حداقل شناخت از یکدیگر وجود دارد و در آن تعامل واقعی وجود ندارد. مانند مسافران مترو.

(۲) سطح دوم: در این مرحله تماس سطحی برقرار است و تعامل هایی بین طرفین صورت می گیرد. این تعاملات واقعی هستند ولی طرفین در رابطه خود بسیار کم باقی میمانند. مانند رابطه فروشنده و خریدار.

(۴) سطح سوم: در این مرحله رابطه برقرار شده و حتی عاطفه نیز بخشی از رابطه میشود. افراد درگیر در رابطه باهم روابط شخصی و صمیمی برقرار می کنند. افراد حاضر در این نوع رابطه از لحاظ، رفتار و شناخت نزدیک به هم هستند (گروفروشانی، ۱۳۸۶). با توجه به این طبقه بندی، می توان نوع تعامل معلم دانش آموز را در سطح سوم قرار داد.

نیاز به ارتباط متغیری است که در طول دوران تحصیل دانش آموزان وجود دارد (کروسنو، جانسون و ایلدر، ۲۰۰۴). و کیفیت مطلوب ارتباط بین معلم و دانش آموز، از عوامل ضروری برای، رشد سالم دانش آموزان در محیط یادگیری است (همر و پیانتا، ۲۰۰۱). که می تواند دانش آموزان در خطر را مورد حمایت قرار دهد اما کیفیت پایین این رابطه باعث خطر بالقوه برای دانش آموزان خواهد شد (لاد و بورگس، ۲۰۰۱). به این ترتیب می توان گفت نحوه ارتباط گیری معلم دانش آموز از عوامل مهمی است که میتواند محیط یادگیری را تحت تاثیر مستقیم و غیر مستقیم خود قرار دهد. دانش آموزی که وارد دوران تحصیل می شود، در سال های ابتدایی معلم را یک پشتوانه برای تمامی فعالیت های خود می داند (همر و پیانتا، ۲۰۰۱).

اینکه دانش آموز چگونه روابط خود با معلم را درک می کند تاثیر بالایی در میزان موفقیت او در تحصیل دارد (گریگوری و ونستین، ۲۰۰۴).

ابعاد ارتباطی معلم دانش آموز

می توان گفت یادگیری و آموختن مهارت، نیازمند ارتباط است و دانش آموزان ناگزیر در مدرسه در بستر بسیاری از تعاملات هستند. آنها با دیگر دانش آموزان، معلم و سایر کادر آموزشی جهت آموزش و پرورش، رفع نیازها و روابط دوستانه ارتباط برقرار می کنند. بیشترین اهمیت ارتباط در مدرسه، تعامل با معلم است. زیرا دانش آموز خواسته ها، نیازها، یادگیری و غیره را در ارتباط با معلم خود مطرح و کسب میکند. این ارتباط با معلم، ابعاد متفاوتی دارد که به نظر میرسد کیفیت آن با کمرویی،

نگرش به مدرسه و اضطراب مدرسه در ارتباط خواهد بود. بنابراین میتوان گفت در یک کلاس درس مولفه های گوناگونی بر کیفیت و چگونگی تعامل معلم و دانش آموز تاثیرگذار است. هر کدام از این مولفه ها می تواند بر کیفیت این تعامل تاثیرگذار باشد. مولفه های ارتباط بین معلم و دانش آموز در زیر توضیح داده شده است که نظر دانش آموزان درباره هر کدام از آنها ملاک ارزیابی است:

- (۱) رهبری : این بعد به بررسی اشتیاق معلم به مباحث، توضیح واضح، جلب توجه دانش آموزان، اطلاع در مورد اتفاقاتی که در کلاس می افتد، نوع رهبری کلاس درس و اطمینان در کار خود میپردازد.
- (۲) درک و فهم : این بعد به بررسی اعتماد معلم به دانش آموزان، دادن ابراز وجود به دانش آموزان، توضیح مجدد برای دانش آموزان، شنیدن صحبت های دانش آموزان، آگاهی از نحوه توجه و یادگیری دانش آموزان و شکیبایی معلم می پردازد.
- (۳) عدم اطمینان : این بعد، ناتوانی معلم، تردید در تصمیم معلم، تردید در عمل معلم، عدم اطمینان دانش آموزان به گفته های معلم، ناتوانی در ارائه موثر مطالب و برنامه ریزی زمانی و بی کفایتی معلم را مورد سنجش قرار میدهد.
- (۴) سرزنش کردن : در این مولفه، عصبانیت، تندی، کم حوصلگی، نحوه مباحثه با دانش آموزان و کنایه و طعنه زدن معلم به دانش آموزان مورد بررسی قرار می گیرد.
- (۵) مسئولیت و آزادی : در این بعد نحوه استقلال بخشی معلم به دانش آموزان، تحت تاثیر قرار دادن دانش آموزان، دادن قدرت انتخاب و تصمیم گیری به دانش آموزان، وجود دموکراسی در رابطه با دانش آموز سنجیده می شود.
- (۶) عدم رضایت : عدم اعتماد به رفتار دانش آموزان، عدم اطمینان از یادگیری دانش آموزان، عدم رضایت از دانش آموزان از عواملی است که در این بعد ارزیابی میشود.
- (۷) رفتار سختگیرانه : سختگیری، بازتاب به عملکرد دانش آموز، استانداردهای بالا از عمده عوامل مورد ارزیابی در این بعد هستند.
- (۸) کمک و یاری : در این مولفه عواملی همچون یاری رسانی معلم، رفتار دوستانه، شوخ طبعی، ادراک لذت بخشی از کلاس توسط دانش آموز سنجیده می شود (خوشبخت، ۱۳۸۷).

کمرویی

درصد قابل توجهی از افراد هر جامعه به صورت ناخواسته زندانی کمرویی هستند، و بسیاری از قابلیت ها و استعدادهایشان در پس کمر و بدنشان نهفته می ماند (افروز، ۱۳۷۴). پرداختن به پدیده کمرویی از این منظر قابل توجه است که تقریباً تمامی افراد در طول زندگی خود تجربیاتی از کمرویی داشتهاند. اما نکته مهم تر آن است که برخی افراد به صورت مرضی و قابل توجهی در موقعیتهای مختلف اجتماعی، دچار خجالت می شوند. برخی افراد صرفاً در موقعیت های خاص، برخی در بعضی اوقات، برخی در

اغلب اوقات و برخی نیز در تمامی موقعیت ها دچار پدیده کمروبی می شوند (افروز، ۱۳۷۴). کمروبی یک مشکل روانی اجتماعی است که برای فرد آزار دهنده است و میتوان آن را معلولیت اجتماعی نامید (افروز، ۱۳۷۴).

بیشتر مردم، حداکثر زمان خود را صرف حضور در اجتماعات می کنند. آنها آنچه را که کیفیت زندگی می پندارند در تعاملات بیشتر، به آن دست پیدا می کنند. آنها با حضور در موقعیت های اجتماعی، حمایت دریافت می کنند و این حمایت می تواند آنها را در برابر مشکلات و خطرات ایمن نگه دارد. بنابراین تمایل به اجتماع از ابعاد مهم شخصیتی در افراد است. انسان موجودی است که در یک رابطه به کنش ها، واکنش نشان می دهد و خود را با واکنش های دیگران هماهنگ می کند.

به عبارت دیگر نوع انسان با توجه به ادراکی که از رابطه دارد رفتار می کند. در مقابل نیاز انسان به بودن در اجتماع افرادی هستند که به شکل افراطی از حضور در اجتماع کناره گیری می کنند. این افراد اعتقاد دارند اگر در موقعیت های اجتماعی وارد شوند توسط دیگران طرد می شوند و یا مورد ارزیابی های منفی قرار می گیرند. بنابراین سعی می کنند برای دوری از نگرانی حاصل از این اعتقاد در روابط و تعاملات اجتماعی وارد نشوند. پس یک بعد شخصیتی تمایل اجتناب در انسانها وجود دارد که یا آنها را در روابط اجتماعی درگیر می کند و یا آنها را از وارد شدن در این روابط (به دلیل ناراحتی و نگرانی) بازدارد می کند، افراد دسته دوم را افراد کمرو می گویند (امیدوار، ۱۳۸۹).

کمروبی یک مسئله فراگیر است که بعضاً آن را معلولیت اجتماعی و بیماری اجتماعی می نامند. چرا که باعث اضطراب اجتماعی، هراس اجتماعی، اعتماد به نفس پایین، مهارت های اجتماعی ضعیف و یا فقدان آن، ناسازگاری با جمع می شود (زیمباردو و رادل، ۱۹۹۹).

درست است که معاشرت و روابط متقابل به انسان ها احساس لذت میدهد اما برای برخی همین احساس لذت تبدیل به یک وضعیت نگران کننده و کابوسوار شده است. این افراد در روابط اجتماعی درگیر نمی شوند و وقتی ناخواسته در این موقعیت های اجتماعی حاضر می شوند، نگران و برافروخته می شوند و برای اینکه مورد ارزیابی قرار نگیرند بی سر و صدا در گوشه ای می ایستند تا به نحوی آن موقعیت اجتماعی را ترک کنند. این افراد اعتقاد دارند که مرکز توجه همه هستند و دارند توسط افراد حاضر در آن موقعیت ارزیابی میشوند (هارچی، ساندروز و دیکسون، ۱۳۸۶). مشکل در برقراری ارتباط باعث می شود افراد شکل ناسالمی از هویت را داشته باشند و استعدادهایشان شکوفا نشود (امیدوار، ۱۳۸۹).

تعاریف کمروبی

چون ملاک مشخصی برای وجود کمروبی تعریف نشده است که مورد تایید همه باشد ارائه تعریف یکپارچه و جامع امکانپذیر نیست. در حوزه روانشناسی رشد، کمروبی حالتی رفتاری و عاطفی است که از بروز رفتار جلوگیری می کند و در موقعیت های ناآشنا باعث می شود فرد متحمل ناراحتی شده و علائم فیزیولوژیکی مثل افزایش ضربان قلب و مقدار هورمون کورتیزول را تجربه کند (ساندروز، ۲۰۱۲).

هندرسون و، زیملاردو (۱۹۹۸)، معتقدند تجرب های که باعث شود فرد در موقعیت های اجتماعی بیش از اندازه به خود متمرکز شود، خود ارزیابی های منفیای داشته باشد و از این مسئله ناراحت باشد، کمرو است.

چیک و باس (۱۹۸۱)، نیز کمرویی را واکنش بازدارنده در تقابل با غریبه ها تعریف می کنند. اضطراب اجتماعی نوع شدید و غیرطبیعی کمرویی است که در حوزه روانشناسی نوعی اختلال به حساب می آید. وجه تمایز اضطراب اجتماعی با کمرویی این است که افراد مضطرب اجتماعی قبل از قرار گرفتن در موقعیت های اجتماعی دچار ترس و اضطراب می شوند حتی اگر به آن فکر کنند. علاوه بر این، آنان در زمان حضور در موقعیت های اجتماعی نیز غیرفعال میشوند و به صورت غیرموثر عمل میکنند. به صورتی که پس از چندین بار بازهم شدت آن تقریباً همانند دفعات اول است. اضطراب اجتماعی میتواند مربوط به یک موقعیت خاص باشد و یا مجموعه ای از موقعیت ها را در بر بگیرد و یا حتی در نوع شدید آن تمامی موقعیت های اجتماعی فرد را تحت تاثیر قرار دهد (ساداتیان، ۱۳۸۹).

انواع کمرویی

در نظریه شناختی، کمرویی یک پیوستار است که افراد خجالتی در دامنه پایین، افراد با فوبی اجتماعی در دامنه متوسط و افراد با شخصیت اجتنابی در دامنه بالای پیوستار قرار می گیرند. بنابراین، کمرویی را از نظر درجه میتوان به دو حالت خفیف یا غیر مرضی و شدید یا مرضی تقسیم کرد (تیلفوس و همکاران، ۲۰۱۱).

درباره انواع کمرویی فرضیه ای توسط زیملاردو (۱۹۹۰)، مطرح شده است که بیان می دارد کمرویی دارای دو وجه است:

کمروهای درونگرا: این افراد ترجیح می دهند تنها باشند و از بودن در جمع لذت نمی برند. اینان فاقد مهارت های اجتماعی هستند.

کمروهای برونگرا: این افراد نیز فاقد مهارت های اجتماعی هستند اما دوست دارند در موقعیت های اجتماعی حضور داشته باشند. اما حضور در این موقعیت ها برایشان هیجان های منفی و اختلالات درونی شناختی بدنبال دارد (زیملاردو، ۱۹۹۰).

نقش وضعیت ظاهری در کمرویی

لزو ما نواقص ظاهری بر کمرویی تاثیر منفی ندارند، چنان که بسیار دیده ایم افرادی با نواقص جسمانی رفتارهای خود را چنان با تسلط انجام میدهند که توجه همگان را جلب میکنند. فردی که کمروست ممکن است نقص کوچک خود را بزرگ جلوه دهد و تمام تمرکزش بر آن باشد. برخی اوقات اصلاً نقصی وجود ندارد بلکه فرد خیال میکند که دارای نارسایی است، این خیال یا نقص کوچک باعث آشفتگی و آزردهی فرد می شود. در اینجا میبینیم که چگونه غریزه تحسین طلبی در فرد، به ترس از پیدا شدن ایراد و عیب توسط دیگران تبدیل گشته است. فرد احساس می کند در تمامی موقعیت های اجتماعی مورد ارزیابی قرار می گیرد. این افراد درباره مورد ارزیابی قرار گرفتن های خود مبالغه می کنند. این افراد باید ادراکی که از نامطلوب بودن ظاهری

خود دارند را نادیده بگیرند. توجه به این فکر می تواند عملکرد را تحت تاثیر قرار داده و مانع از نوآوری و ابتکار در فرد شود. زمانی که افراد کمرو ظاهری پاکیزه و آراسته، نگاهی آرام و مصمم، رفتاری بی تکلف، اراده ای محکم باشند دیگر در نگاه دیگران منفی ارزیابی نمی شوند و با داشتن آنها کمرویی شان به سرعت از بین خواهد رفت (صیونت، ۱۳۸۴).

نقش احساسات و هیجانات در کمرویی

احساساتی و هیجانی بودن در موقعیت های اجتماعی می تواند باعث ناراحتی و مزاحمت برای فرد شوند، در این موقعیت ها فرد باید به خود تلقین کند و مقاوم و تزلزل ناپذیر باشد. برای مثال زمانی که به یک فرد ترسو القا شود شجاعت از خصوصیات نیک انسان است، او در موقعیت های اجتماعی برای ابراز وجود، با شهامت رفتار میکند. تلقین میل و اشتیاق برای رسیدن به هدف را افزایش داده و باعث می شود فرد از ناراحتی در موقعیت های اجتماعی آزاد شده و احساس خوشایندی داشته باشد. افراد کمرو نباید اجازه بدهند که در موقعیت های اجتماعی از کسی بیش از حد عادی تاثیر بپذیرند. همچنین باید بیاموزند که در موقعیت های اجتماعی و شرایطی که در آنجا وجود دارد، آرامش و خونسردی خود را حفظ کنند (صیونت، ۱۳۸۴).

تفاوت های جنسیتی در کمرویی

بعضا تفاوت های جنسی در زمینه کمرویی وجود دارد که این تفاوت در دوران نوجوانی بیشتر از دوران کودکی است. طبق یافته ها دختران کمی بیشتر (۵۴/۰) از پسران کمروترند که می تواند ناشی از فشارهای اجتماعی باشد. به عنوان نمونه شاهد این هستیم که والدین کمرویی را در پسران خود نمی پسندند و آن را در دختران خود بیشتر قابل قبول می دانند، شاید به این دلیل که آن را امری دخترانه میدانند که ناشی از حجب و حیای دخترانه است (استیونسن، هاینده و شولدیس، ۱۹۹۳).

الگوهایی که در جامعه و مدارس به دختران القاء می شوند اغلب بیانگر خط مشی ای هستند که کمرویی را در دختران تقویت می کند و آنها را به گونه ای وادار می کند که برای کمرویی خود برنامه ریزی کنند (زیمباردو، ۱۹۹۰).

کمرویی و ابعاد مثبت آن

در طول سالیان گذشته، کمرویی زندگی گونه انسانی را در روند تکامل حفظ کرده است. کمرویی از صفات شخصیتی است که باعث می شود فرد قبل از اینکه در محیط اجتماعی دست به کاری بزند، ابتدا آن را برانداز کند (هندرسون و زیمباردو، ۱۹۹۸). افراد کمرو دارای ویژگی های مثبت زیر هستند:

- درون نگر هستند.
- در تقابل با امور اجتماعی با احتیاط کار میکنند.
- حریم شخصی خود را حفظ میکنند و در خلوت خود هستند.

- از اینکه تنها هستند لذت میبرند.
- در کار دیگران دخالت نمی کنند.
- به دیگران آسیب نمی زنند.
- موقعیت خود را ارزیابی می کنند، سپس با احتیاط پاسخ می دهند.
- از تعارضات بین فردی اجتناب می کنند.
- به دلیل اینکه در موقعیت های اجتماعی شنونده خوبی هستند، اغلب مورد احترام قرار می گیرند (زیمباردو، ۱۹۹۰).

کمرویی و ابعاد منفی آن

کمرویی عاملی است که تمامی حوزه های زندگی را در بر می گیرد و باعث می شود فرد استعدادهای خود را شکوفا نکند. این متغیر باعث میشود که افراد:

- سطح تعاملات ضعیفی داشته باشند.
- از موقعیت های اجتماعی لذتبخش، مثل دیدن دوستان لذت نمیبرند و اغلب از بودنشان اضطراب می گیرند.
- از حضور در موقعیت های اجتماعی اجتناب میکنند.
- در موقعیتهای اجتماعی که قرار بگیرند اغلب منفعل هستند (زیمباردو و هندرسون، ۱۹۹۸).

علت های کمرویی

کمرویی یک صفت ارثی یا ژنتیکی نیست بلکه در نتیجه تعامل های غلط بین فردی و سازش نایافتگی اجتماعی است که در مراحل اولیه رشد، خانه و مدرسه پدیدار می شود. بنابراین می توان گفت کمرویی یک پدیده روانی اجتماعی پیچیده است. برخی روانشناسان نظیر کتل (۱۳۷۴) بر این باور هستند که افراد با سندرم کمرویی به دنیا می آیند. باید توجه کرد که در اینجا سندرم کمرویی به معنای استعداد بیشتر و یا ارثی بودن کمرویی نیست مانند رنگ چشم، بلکه عموماً این افراد وقتی به دنیا می آیند از طریق یادگیری هایی که از والدین خود به دست می آورند، کمرو میشوند. به عبارت دیگر این افراد از والدین خود به ارث نمیبرند، بلکه از والدین خود یاد می گیرند.

نتیجه گیری

با توجه به مواردی که بیان شد می توان نتیجه گرفت که رابطه معلم با دانش آموز و کم و کیف این رابطه دارای تاثیر فراوانی در میزان کمرویی دانش آموزان دارد.

بیشترین زمان دانش آموزان دبستانی در محیط اجتماعی مدرسه سپری می شود و بیشترین تاثیرگذاری و ارتباط نیز از سوی معلم است. بنابراین ارزیابی مثبت معلم از سوی دانش آموز، وی را به اشتیاق بیشتر جهت حضور در مدرسه و برقراری ارتباط با

معلم رهنمون میسازد. اما در صورتی که دانش آموز معلم خود را مثبت ارزیابی نکند، از برقراری ارتباط با معلم خود کناره گیری میکند که در نهایت موجب کمرویی وی میشود. از سوی دیگر نسبت به مدرسه علاقه ای نداشته و در زمان حضور در کلاس و مدرسه دچار اضطراب می شود.

نتایج پژوهش های صورت گرفته نشان می دهد، تعامل سازنده و مطلوب بین معلم و دانش آموز باعث ادراک حمایت اجتماعی توسط دانش آموز شده و نگرش مثبت نسبت به مدرسه را در دانش آموز تقویت میکند. از سوی دیگر محققان مختلفی اعتقاد دارند که روابط ضعیف با همسالان و معلم در مدرسه باعث کاهش علاقه دانش آموزان به مدرسه می شود.

آربیو، کاپلان و ویکز (۲۰۱۰)، در پژوهش خود با عنوان " کمرویی، رابطه معلم کودک و سازگاری اجتماعی و عاطفی در کلاس اول " دریافتند، تعامل منفی بین معلم و دانش آموز با کمرویی و مشکلات اجتماعی مرتبط است.

حسینی و خیر (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان بررسی نقش معلم در هیجانات تحصیلی ریاضی و تنظیم هیجانی دانش آموزان در شیراز انجام دادند. یافته های این پژوهش نشان داد متغیر کیفیت تدریس معلم می تواند هیجانات مثبت ریاضی و تنظیم هیجانی را به صورت مثبت پیش بینی نماید و متغیر حمایت عاطفی معلم، هیجانات منفی ریاضی را به صورت منفی پیش بینی نماید.

غلامی و حسین چاری (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان پیش بینی شادمانی دانش آموزان با توجه به ادراک آنها از انتظارات معلم، نحوه تعامل معلم و خودکارآمدی در شیراز انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، برخی از ابعاد تعامل معلم دانش آموز و انتظارات معلم به صورت مستقیم قدرت پیش بینی شادمانی را دارند و برخی از ابعاد تعامل معلم دانش آموز و همچنین انتظارات معلم پیش بینی کننده مستقیم خودکارآمدی هستند.

ایگام ویلکنز و همکاران (۲۰۱۴)، در تحقیق طولی که بین ۲۹۱ کودک، مشغول به تحصیل در مهدکودک انجام دادند به این نتیجه رسیدند که کمرویی کودکان باعث کاهش محبوبیت آنها شده و علاقه آنها را به تحصیل کمتر کرده است. در پژوهشی دیگر که در سال ۲۰۱۵ توسط وو و همکاران انجام شده است، مشخص گردید، کمرویی با بعد نزدیکی تعامل معلم و دانش آموز رابطه کمی دارد، همچنین کمرویی، با میل نسبت به مدرسه نیز رابطه کمی دارد، اما کمرویی با اجتناب از مدرسه همبستگی بالایی دارد (وو و همکاران، ۲۰۱۵).

منابع

- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۴). روانشناسی کمرویی و روشهای درمان آن. تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی. چاپ اول.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۱). روانشناسی کمرویی و روشهای درمان آن. تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی. چاپ ششم.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۹۰). چکیده های از روانشناسی تربیتی کاربردی. تهران: انتشارات اولیا و مربیان. چاپ دهم.
- امیدوار، احمد. (۱۳۸۹). روانشناسی کمروی. ی مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول.
- حسینی، فریده سادات؛ خیر، محمد. (۱۳۸۹). بررسی نقش معلم در هیجانات تحصیلی ریاضی و تنظیم هیجانی دانش آموزان. پژوهش های نوین روانشناخت. شماره ۵.

خوشبخت، فریبا. (۱۳۸۷). بررسی اثرات مدرسه، کلاس و ویژگی های دانش آموزان در تبیین عملکرد ریاضی و نگرش نسبت به تحصیل در مدارس ابتدایی: شواهد تجربی مدل اثربخشی. پایان نامه دکتری. دانشگاه شیراز

ساداتیان، اصغر. (۱۳۸۹). کمرویی، خجالت، دوستی، اضطراب و ترس از مدرسه، ترسوئی، جسارت، ابراز وجود. تهران: انتشارات شابک.

صیونت، منوچهر. (۱۳۸۷). کمرویی و اعتماد به نفس. تهران: علم و شادی. چاپ دوم.

غلامی، سمیه؛ حسین چاری، مسعود. (۱۳۹۰). پیش بینی شادمانی دانش آموزان با توجه به ادراک آن ها از انتظارات معلم، نحوه تعامل معلم و خودکارآمدی دانش آموزان دوره راهنمایی شیراز. شماره ۳.

گرد فروشانی، معصومه. (۱۳۸۶). عوامل موثر در کلاسداری روزآمد. قم: انتشارات گلپای بهشت. چاپ اول.

هارچی، اون؛ ساندرز، کریستین. (۲۰۰۱). مهارتهای اجتماعی در روابط بین فردی. (ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت ۱۳۸۶). تهران: انتشارات بدر.

Arbeau, K. A., Coplan, R. J., & Weeks, M. (2010). Shyness, teacher-child relationships, and socio-emotional adjustment in grade 1. *International Journal of Behavioral Development*, ۳۴(۳), ۲۵۹-۲۶۹.

Birch, S. H., & Ladd, G. W. (1998). Children's interpersonal behaviors and the teacher-child relationship. *Developmental psychology*, 34(5), 934.- 946.

Borl Borl, M. (2012). *81 methods for over-coming shyness*, translated by Homami Sh. Tehran Chapar Farzanegan Pr. [In Persian].

Crosnoe, R., Johnson, M. K., & Elder Jr, G. H. (2004). Intergenerational bonding in school: The behavioral and contextual correlates of student-teacher relationships. *Sociology of education*, 77(1), 60-81.

Davis, H. A. (2006). Exploring the contexts of relationship quality between middle school students and teachers. *The Elementary School Journal*, 106(3), 193-223.

Eggum-Wilkens, N. D., Valiente, C., Swanson, J., & Lemery-Chalfant, K. (2014). Children's shyness, popularity, school liking, cooperative participation, and internalizing problems in the early school years. *Early Childhood Research Quarterly*, 29(1), 85-94.

Ladd, G. W., & Burgess, K. B. (2001). Do relational risks and protective factors moderate the linkages between childhood aggression and early psychological and school adjustment?. *Child development*, 72(5), 1579-1601.

Saunders, P. (2012). Shyness online: the experience and treatment of shyness in an online environment. *A Thesis Submitted in Fulfilment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy. RMIT University*.

Tillfors, M., Andersson, G., Ekselius, L., Furmark, T., Lewenhaupt, S., Karlsson, A., & Carlbring, P. (2011). A randomized trial of internet-delivered treatment for social anxiety disorder in high school students. *Cognitive behaviour therapy*, 40(2), 147-157.